

ارزیابی نحوه تعیین مجازات تعدد مادی جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۸

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

محسن شریفی*

چکیده

ضوابط حاکم بر تعدد جرم به‌عنوان یکی از موجبات فردی کردن کیفر، از آغاز نهضت قانونگذاری ایران تا به امروز، همواره دست‌خوش تحولاتی در گستره مصداق‌ها و نحوه تعیین و اجرای مجازات شده است. آخرین دگرگونی صورت گرفته در این زمینه، به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ برمی‌گردد که کوشش نموده در پرتو پاره‌ای از نوآوری‌ها و نیز بازگشت به برخی از معیارهای مندرج در مقرره‌های پیشین از جمله قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، نارسایی‌های مرتبط با جرم‌های تعزیری را فرونهد. حسب یافته‌های تحقیق که روش آن توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات‌اش کتاب‌خانه‌ای است، سویه اتخاذشده، از بُعدهای نظیر وانهادن سیاست سخت‌گیرانه تجمیع مجازات جرم‌های درجه هفت و هشت، اجراشده تلقی کردن مجازات اشد مندرج در دادنامه در صورت برخورداری از تعلیق، آزادی مشروط و عفو موجه و از دیگر بُعدها مانند عدم نسخ مصداق‌های خاص قانونی که بدون داشتن حکمتی ویژه، طریق دیگری غیر از مقررات عام را برای تعیین مجازات جرم‌های متعدد برگزیده‌اند و سکوت درباره چگونگی تعیین مجازات به هنگام وقوع توأمان تعدد و تکرار جرم، ناموجه می‌نماید.

واژگان کلیدی: تعدد مادی جرم، جرم‌های مختلف، جرم‌های غیر مختلف، تعیین مجازات.

۱۴۷

حقوق اسلامی / سال هجدهم / شماره ۷۱ / زمستان ۱۴۰۰

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز (mohsen.sharifi181@gmail.com).

مقدمه

تعدد جرم را می‌توان به انطباق عنوان‌های مجرمانه بر رفتار واحد، یا ترتب نتیجه‌های مجرمانه بر رفتار یکتا و یا ارتکاب رفتارهای مستقل اعم از فعل یا ترک فعل چندان‌که هریک جرمی منفرد بوده و با این حال، هیچ‌کدام مشمول حکم محکومیت قطعی دادگاه نشده باشد، تعریف کرد (اردبیلی، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۱۷۲-۱۷۳) این نهاد، از جمله سبب‌های عام تشدید مجازات است که در وهله نخست، در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ با پیش‌بینی مصداق‌های شق اول و سوم تعریف مزبور (تعدد اعتباری و تعدد واقعی) نمود یافت. در این مقرر، برای تعدد نوع نخست، مجازات اشد و برای تعدد نوع دوم، بدون تجویز صدور حکم مجازات علی‌حده برای هر جرم و نیز فارغ از شمار آن‌ها، حداکثر مجازات جرم اشد در نظر گرفته شد (ماده‌های ۳۱ و ۳۳). ماده (۲) الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۱۱، با اتخاذ موضعی اصولی‌تر، به تعیین مجازات جداگانه برای هر فقره جرم از سوی دادگاه نظر داد. باین همه، اقدام قانونگذار از جهت‌هایی از جمله تسری این حکم به مجموعه رفتارهایی که علاوه برداشتن توصیف جزایی واحد، یک‌به‌یک نیز جرم بودند، مواجهه با اشکال بود.

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ با برداشتن گامی مؤثرتر، ضمن الزام‌آور دانستن صدور حکم مجزا برای هر جرم موضوع تعدد واقعی، روشن کرد که در صورت بیش از سه فقره نبودن شمار آن‌ها، مجازات هریک، حداکثر میزان مقرر و در صورت تحقق تعدادی بیش‌تر، فراتر از حداکثر قانونی تا نصف است. با تأکید بر این نکته که فقط مجازات اشد به موقع اجرا گذاشته می‌شود (بند الف ماده ۳۲). تصریح به عدم شمول مقررات تعدد نسبت به مجموع جرم‌های دارای توصیف خاص و جرم‌های اطفال بزه‌کار، ممکن دانستن تخفیف مجازات در تعدد جرم، رهاورد دیگر این مصوبه بود (بندهای الف، ط و ح همین ماده). باین حال، عدم اشاره به لزوم احتساب میزان مجازات اجرا شده اشد نخست در اعمال مجازات اشد بعدی و عدم تصریح به اجرا شده به حساب آمدن مجازات مورد حکم در پرتو سازوکارهایی چون تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط، از جمله نارسایی‌های آن بود (ساداتی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۶۲-۶۳ / فروغی و جودکی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶-۱۰۷).

در حالی که انتظار می‌رفت در نوبه بعد قانونگذاری، خلأهای پیش‌گفته رفع یا رو به تقلیل گذارد، قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ نه تنها چنین نکرد؛ بلکه از طریق وضع دو

ماده پر ابهام (۲۴ و ۲۵)، بسیاری از دستاوردهای مصوبه قبل از جمله قاعده عدم جمع مجازات تعدد جرم‌های مختلف را کنار نهاد (پوربافرانی، ۱۳۸۴، ص ۳۳). این سنت ناصواب، در قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ نیز بی‌کم‌وکاست دنبال شد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اما کوشید تا با چاره‌اندیشی‌هایی مثل کنار گذاشتن آیین جمع مجازات‌های مختلف تعزیری (درجه یک تا شش) و توجه به شمار جرم‌های متعدد در تعیین مجازات و تعیین محدوده تخفیف مجازات در تعدد جرم (ماده ۱۳۴ و تبصره‌های یک و سه پایین آن)، اوضاع را تا حدی سامان دهد (جعفری، ۱۳۹۲، ص ۱۸۴-۱۹۰/شامبیاتی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۶-۲۲۰). با وجود این، انتظارات به دلیل‌هایی از جمله خارج نمودن جرم‌های تعزیری درجه هفت و هشت از شمول مقررات تعدد جرم، عدم اشاره به امکان اعمال مجازات تبعی مجازات اخف تحت شرایطی، عدم التفات به کارکرد نهادهایی همچون تعلیق اجرای مجازات اشد در سرنوشت دیگر مجازات‌های مندرج در حکم، عدم تصریح به خروج جرم‌های اطفال از شمول مقررات این حوزه، چندان‌که باید برآورده نشد (منصورآبادی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۱/شمس‌ناتری، ۱۳۹۸، ص ۳۳۳-۳۳۸).

آخرین مداخله قانونگذار در قلمرو تعدد جرم، به ماده (۱۲) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ (ماده ۱۳۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی) برمی‌گردد که از جمله اقدام‌های آن، برداشتن وجوب تشدید مجازات جرم‌های غیر مختلف، کاهش میزان مجازات قابل تعیین فراتر از حداکثر مقرر، ایجاد محدودیت بیش‌ازپیش در تشدید مجازات ثابت یا فاقد حداقل و تحول در نحوه اعمال کیفیات مخفف هر یک از جرم‌های متعدد است. اینک پرسش این است که تدبیرهای اندیشیده شده تا چه میزان سنجیده و کاهنده کاستی‌های مربوط به تعدد جرم‌های تعزیری بوده است؟ به‌طور مشخص، از توجه به چه موردی، غفلت صورت گرفته است؟ بر اساس فرضیه‌های پژوهش، به نظر می‌رسد که موضع اتخاذشده تا حدی رفع‌کننده کاستی‌های پیشین بوده است. با این حال، مصداق‌های مورد غفلت شده نیز کم نیستند؛ از جمله، مشخص نکردن نوع عفو مندرج در بند (ث) ماده مورد اشاره، مبرهن نمودن مقصود از جرم‌های غیر مختلف و نیز ابهام در نحوه تعیین مجازات جرم‌های متعدد مشابه به همراه شماری از جرم یا جرم‌های مختلف.

این نوشتار در راستای ارزیابی رویکرد قانون اخیر راجع به موضوع مورد بحث، چنین سازمان‌دهی شده است که نخست، به تعدد واقعی جرم‌های تعزیری درجه یک تا شش اشاره شده و در زیرمجموعه آن، نحوه تعیین و اجرای مجازات تعدد مادی جرم‌های غیر مختلف و مختلف به

تفکیک بررسی شده‌اند. سپس، در باب تعیین و اجرای مجازات جرم‌های درجه هفت و هشت باهم، و نیز با مجازات جرم‌های درجه یک تا شش، صحبت شده است. کلام آخر هم، به نتیجه‌گیری و پیشنهاد تخصیص یافته است.

۱. تعدد واقعی جرم‌های تعزیری درجه یک تا شش

مقصود از تعدد واقعی جرم، فعل‌ها یا ترک فعل‌های مشابه یا مختلفی است که هر یک از توصیف جزایی مستقل برخوردار و درعین حال، مجموع آن‌ها فاقد عنوان مجرمانه خاصی است. این‌که رفتارهای مجرمانه، در فاصله زمانی اندک یا زیاد به وقوع پیوسته باشند، تعیین‌کننده نیست و مهم، ارتکاب جرم پسین، قبل از منتهی به محکومیت قطعی شدن جرم پیشین است. منطق نیز حکم می‌کند که از حیث شدت ضمانت اجرا، بین دو شخص که یکی مرتکب چند جرم گردیده و دیگری که تنها یک مرتبه نظم جامعه را برهم زده است، مساوات برقرار نباشد (الهام، ۱۳۷۲، ص ۱۴/ اردبیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۲). به هر روی، چون ماده (۱۳۴) اصلاحی قانون مجازات اسلامی در بیان احکام تعدد، بین جرم‌های مختلف و غیر مختلف تفاوت قائل و درباره آن‌ها رویکردی متمایز از مقرر قبل اتخاذ نموده است، وضعیت این دو گروه را به نحو جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱. جرم‌های مختلف

قانونگذار چه در اصلاحیه اخیر و چه در مقرره‌های پیشین، مقصود خود را از واژه مختلف واضح ننموده و همین، موجب دریافت‌های مختلفی از جانب حقوقدانان و رویه قضایی در مقطع‌های مختلف شده است. به عنوان نمونه، در حالی که برخی (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ص ۳۴۷) رفتارهای گنجیده شده در یک ماده قانونی از جمله خرید و فروش سکه قلب (ماده ۵۱۸ قانون مجازات اسلامی) را از آن‌رو که زیر مجموعه موضوعی واحداند، غیر مختلف توصیف کرده‌اند، دیگران، (عابد، ۱۳۹۱، ص ۴۵) آن‌ها را با این برهان که نه رفتار فیزیکی مشابهی دارند و نه عنوان مجرمانه همانندی، غیر مختلف فرض کرده‌اند. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در این میان، رویکردی نزدیک به نظر نخست اتخاذ کرده است (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۱۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۷). هم‌چنین، بر خلاف بعضی (احمدزاده و تام، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲) که جرم‌هایی که مجازات جرم دیگر برای آن‌ها مقرر گردیده یا برابر قانون در حکم جرم دیگر محسوب شده‌اند را

غیر مختلف پنداشته‌اند؛ مثل کلاه‌برداری و اعمالی که در حکم این جرم و یا برخوردار از مجازات آن هستند، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مورد اشاره، موضعی عکس اتخاذ کرده است. به همین ترتیب، برخلاف ایده گروهی که دو رفتار متفاوتِ مباشرت در جرمی خاص و معاونت در همان جرم توسط یک شخص را موجب تحقق دو عنوان مجرمانه دانسته‌اند (عابد، ۱۳۹۱، ص ۳۵/ طاهری‌نسب، ۱۳۸۱، ص ۹۳)، اداره مزبور در همین نظریه، به مشابهت این جرم‌ها نظر داده است. در هر شکل، تبیین معیارهای تشخیص دهنده جرم‌های مختلف، به سبب تأثیری که در نحوه تعیین مجازات آن‌ها در مقوله تعدد جرم دارد، موضوعی است بس مهم و در عین حال، خارج از چارچوب این نوشتار. با وجود این، می‌توان به تفاوت ماهوی رفتار مجرمانه و نیز رکن روانی جرم‌ها فارغ از مؤلفه‌هایی چون کیفیات مخففه یا مشدده مجازات و یا وحدت یا تعدد عنصر قانونی، به‌عنوان رهیافتی برای باز شناختن آن‌ها از هم اشاره کرد. حال در این قسمت، نخست، ضوابط ناظر بر تعیین و تشدید مجازات جرم‌های مختلف از منظر قانون مورد بحث به ترتیب در دو حالت وقوع تا سه فقره، و سپس وقوع چهار فقره و بیش‌تر، مورد تشریح و ارزیابی قرار می‌گیرند.

۱-۱-۱. جرم‌های مختلف تا سه فقره

ماده (۱۳۴) قانون یا شده، در مواجهه با این شکل از تعدد، ضابطه را تعیین مجازاتی فراتر از میانگین حداقل و حداکثر هر جرم تا حداکثر قرار داده است. با این پیش‌بینی که در صورت ثابت یا فاقد حداقل بودن مجازات هر جرم، امکان اضافه کردن تا یک‌ششم به اصل آن توسط دادگاه وجود داشته باشد (بندهای ب و ج). به‌عنوان مثال، کارمند نهاد دولتی که مرتکب سه جرم جعل مدارک دانشگاهی (دارای ضمانت اجرای سه سال حبس)^۱، اجیر کردن اشخاص بیش از تعداد مورد نیاز سازمان مربوط (دارای ضمانت اجرای هفتاد و چهار ضربه شلاق)^۲ و کلاه‌برداری نود میلیون تومانی (دارای ضمانت اجرای یک تا پنج سال حبس و جزای نقدی نود میلیون تومان)^۳ شود، مجازات این اعمال به ترتیب، در حیطه سه سال تا سه سال و نه ماه، نود تا نود و دو نیم ضربه شلاق و سه سال و یک روز تا پنج سال حبس قابل تعیین خواهد بود. در هر شکل، جز شدیدترین مجازات مندرج در دادنامه (سه سال و یک روز تا پنج سال حبس) در حق مرتکب اجرا نمی‌شود.

۱. ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۲. ماده ۶۰۲ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۳. ماده ۵۰۲ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

به جهت نمونه پژوهی نیز می‌توان به پرونده شماره بایگانی ۹۹۰۰۱۵۳ رسیدگی شده در دادگاه انقلاب اسلامی جهرم در تاریخ ۱۳۹۹/۹/۲ اشاره کرد که این مرجع پس از احراز انتساب جرم‌های فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به مقام رهبری به متهم، این چنین رأی می‌دهد که: «... با تطبیق عنوان‌های مجرمانه با ماده‌های ۵۰۰ و ۵۱۴ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۳۴ اصلاحی از قانون مزبور وی از باب ارتکاب جرم نخست، به تحمل نه ماه حبس و از جهت انجام جرم دوم، به تحمل همین مدت حبس محکوم می‌شود؛ با این تصریح که، در هریک از موردهای مزبور فقط یک مجازات در حق او قابل اجرا است...». چنانچه ملاحظه می‌شود، کلیت این تصمیم با مطلب‌های پیش‌گفته هم‌سو است؛ مگر در دو بُعد: نخست این که، معلوم نیست چرا در اعلام مجازات جرم دوم، به جای تعیین میزانی بین پانزده ماه یک‌روز تا بیست و چهار ماه، مدت کم‌تری برگزیده شده است؛ در حالی که ماده‌های (۳۷) و (۳۸) نیز از حیث جهت‌های تخفیف استناد جسته نشده است. دیگر این که، عبارت «در هریک از موردهای مزبور فقط یک مجازات قابل اجرا است»، ناصواب است. چه، نه در هر مورد، که در کل، تنها یک حبس می‌تواند به بوته اجرا برده شود. مطلبی که به یقین مطمح نظر دادگاه بوده و در چنین واژه‌ها در جمله تنظیمی، درست انعکاس نیافته است.

پوشیده‌نماند که تعیین حداقل مجازات وفق این معیار، یک امر ماهوی است و تأثیری در امور شکلی موضوع ماده (۲۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری ندارد. پس، مقام قضایی در تعیین حداکثر مدت بازداشت موقت می‌بایست حداقل مجازات قانونی مهم‌ترین جرم، و نه حداقل مجازات تعیین‌شده بر پایه ماده (۱۳۴) قانون مجازات اسلامی را ملاک قرار دهد (خالقی، ۱۳۹۹، ص ۳۰۱). در فرضی که موجبات قانونی مانند گذشت شاکی خصوصی، مرور زمان و نسخ قانون، مجازات مزبور را غیرقابل اجرا و یا در معرض تقلیل یا تبدیل قرار دهد، نوبت به اعمال مجازات خفیف‌تر با احتساب میزان مجازات تحمل شده می‌رسد. کما این که در مثال بالا، در صورت گذشت بزه دیده کلاهبرداری آن هم پس از سپری شدن یک سال در زندان، مجازات شدید بعدی که با کسر این مدت، دو سال و نه ماه خواهد بود، اجرا می‌شود. البته اگر مجازات اشد، حبس و مجازات اخف، شلاق باشد، بر اساس بند (ب) ماده (۵۱۶) قانون آیین دادرسی کیفری به ازای هر روز حبس سه ضربه از شلاق کسر می‌شود. و در صورت جزای نقدی بودن مجازات اخف، بر مبنای وحدت ملاک تبصره (۱) ماده (۵۲۹) این قانون، یک میلیون ریال از آن کم می‌گردد. عفو،

تعلیق یا آزادی مشروط مجازات اشد نیز، به منزله اجرای آن دانسته شده است (بند ث). اثری که البته مختص این حالت نبوده و در دیگر اشکال تعدد جرم‌های مختلف نیز مجری است. با وجود اطلاق واژه عفو در بیان قانونگذار، حمل آن بر عفو عمومی دشوار است؛ چراکه این راهبرد، به منزله نسخ قانون جزاست و اثرش بر مجازات اشد، مشابه مرور زمان و گذشت شاکی است. اما در خصوص این که تعلیق مجازات مورد اشاره بند (ث) ماده (۱۳۴) قانون مجازات اسلامی، ناظر به هر دو نوع تعلیق قضایی (ماده ۶ قانون مجازات اسلامی) و تعلیق قانونی (تبصره ۳ ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری) است یا فقط مشعر به مورد نخست، دلیلی بر تقیید اطلاق سخن مقنن در دست نیست.

به این سان، مشاهده می‌شود که ترجیح قانونگذار تنها، تشدید اجباری حداقل مجازات هر جرم بوده و تعیین میزانی بیش از این تا سقف حداکثر، و نیز عبور از این مقدار در دو حالت پیش گفته را، در اختیار دادگاه گذاشته است. رویکردی که در قیاس با مقررات پیشین که به تعیین حداکثر مجازات برای هر جرم تکلیف کرده بود، مساعدتر است و در نتیجه، از قابلیت عطف به ماسبق شدن برخوردار. بایسته بود که به منظور اثربخشی بهتر، در موردی که مجازات جرمی ثابت و یا نا برخوردار از حداقل است، اضافه نمودن مقدار مورد اشاره به اصل مجازات، اجباری اعلام می‌شد. این پرسش که آیا رعایت تبصره الحاقی به ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی که دادگاه را در تعیین مجازات بیش از حداقل حبس مقرر در قانون، موظف به ارائه دلیل مبتنی بر بندهای مندرج در این ماده نموده، ضروری است یا نه، با پاسخ منفی روبرو است؛ زیرا وجود تعدد جرم و مقررات ناظر به آن، خود، دلیل و مستند قانونی این نوع کیفر دهی است (طهماسبی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۵۳-۱۵۴). به رغم این، رویه قضایی در این خصوص یک دست نیست و برخی دادگاه‌ها با عدم وقعی به این مطلب، علاوه بر استناد به مقرره‌های تعدد جرم، خود را ملزم به استناد به تبصره مورد اشاره نیز نموده‌اند. کما این که در دادنامه شماره ۶۶۰۹۹۷۷۹۱۲۱۰۰۴۴۶ (موضوع پرونده موصوف)، این چنین آمده است: «... با رعایت تبصره الحاقی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۳۴ اصلاحی از این قانون، متهم، به تحمل نه ماه حبس تعزیری و..... محکوم می‌گردد». پرسش دیگر این که اگر جرم‌های ارتكابی، به فرض، سه فقره و همگی قابل گذشت باشند، تأثیر گذشت دو تن از بزه دیدگان در مقررات تعدد جرم چیست؟ چنانچه این واقعه مربوط به پیش از قطعیت یافتن حکم باشد، نسبت به دو جرم مربوط، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد و درباره جرم باقی مانده، بدون

رعایت مقررات تعدد جرم، تعیین کیفر می‌شود. و اگر ناظر به پس از قطعیت یافتن حکم باشد، تأثیری در مجازات تعیین شده برای جرم دیگر طبق بند (ب) ماده (۱۳۴)، ندارد.^۴

درخور ذکر است، چه در این مورد و چه دیگر مظاهر تعدد جرم‌های مختلف، برابر بند (ح) این ماده، در صورت برخوردار نبودن ضمانت اجرای اشد از مجازات تبعی، آثار تبعی پیش‌بینی شده برای مجازات خفیف‌تر، متوجه مرتکب خواهد شد. به‌رغم سکوت قانونگذار، به نظر می‌رسد که در صورت واجد آثار تبعی بودن همه مجازات‌های بعدی، شدیدترین آن‌ها ملاک عمل باشد (رسول‌زاده و تام، ۱۳۹۹، ص ۱۱۰). البته اگر در قانون برای تمامی جرم‌های متعدد، مجازات‌های موضوع ماده‌های (۲۳) و (۲۵) که از ماهیتی تأمینی برخوردارند، به‌عنوان ضمانت اجرای اصلی لحاظ شده باشد، در صورت هم‌جنس نبودن، همگی به اجرا گذاشته می‌شوند؛ مثل وسیله تهدید قرار دادن آثار مستهجن به‌قصد اخاذی و رشاء دویست میلیون تومانی که به ترتیب، متضمن ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی^۵ و انتشار حکم محکومیت در رسانه ملی و یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار^۶ است.

هرچند، ایده تعیین مجازات مستقل برای هریک از رفتارهای متهم و در پایان، اجرای شدیدترین آن‌ها، ملهم از آموزه دفاع اجتماعی و به مقصود فاصله گرفتن از هدف سزادهی مجازات‌هاست (اردبیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۸۶)، با این حال قانونگذار همیشه به این قول وفادار نبوده و در موردهای معتنابه، با دادن دستور جمع مجازات‌ها، از اقتدار ماده (۱۳۴) از جمله بند (ب) آن کاسته است. مثل موقعی که شخصی، بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت، با جعل سند رسمی، خود را در مشاعل دولتی دخالت دهد (ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی). یا آن‌جا که مأمور دولت با ابراز حکم جعلی دادگاه، شخصی را توقیف یا حبس کند (ماده ۵۸۶ ناظر به ماده ۵۸۳) با این‌همه، دقت در تصمیم‌های تازه قضایی نشان می‌دهد که برخی دادگاه‌ها بی‌اعتنا به این نکته، رأی خود را صادر و استوار نموده‌اند؛ چندان‌که شعبه (۱۰۹) دادگاه کیفری (۲) شهرستان یزد، در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۶ پس از احراز انتساب اتهام‌های ترمرد نسبت به مأمور دولت، توهین و تهدید به متهم، بر اساس بند

۴. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۱۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۷، همین موضع را اتخاذ کرده است.

۵. ماده ۵ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند.

۶. تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی.

(ب) ماده (۱۳۴) اصلاحی قانون مجازات اسلامی در باره تعیین مجازات جرم‌های مزبور مبادرت به صدور رأی کرده است. در حالی که می‌بایست، تنها در مورد دو جرم اخیر، این مقرر را اعمال می‌نمود و سرانجام، در اجرای تبصره ماده (۶۰۷) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، رأی بر جمع مجازات اشد با مجازات جرم نخست می‌داد (پرونده کلاسه ۰۰۰۰۰۶۶). به هر روی، بایسته بود که قانونگذار، هم‌گام با تصویب قانون کاهش حبس تعزیری، با تصریح بر نسخ کلیه مصداق‌های خلاف قاعده که بر مصالح خاصی نیز متکی نیستند، به دوگانگی موجود که میراث به جای مانده از سیاست سخت‌گیرانه مقررات دهه هفتاد در حوزه تعدد جرم‌اند، خاتمه می‌داد.

۱-۱-۲. جرم‌های مختلف بیش از سه فقره

قانونگذار در این فرض از تعدد، ضمانت اجرای هر جرم را حداکثر مجازات قانونی آن تعیین و دست دادگاه را در عبور از این سقف تا یک‌چهارم باز گذاشته است (بند پ ماده ۱۳۴). هم‌چون صورت قبل، در این خصوص نیز مجازات قابل اجرا، شدیدترین مورد قید شده در دادنامه است. به‌عنوان مثال، اگر جرم‌های ارتكابی توسط یک نفر، عبارت باشند از: دادن اسلحه به شخص توقیف شده برای فرار (دارای مجازات حبس از دو تا پنج سال)^۷، تخریب آثار تاریخی (دارای مجازات حبس از یک تا ده سال)^۸، تمرد نسبت به مأمور دولت همراه با نشان دادن اسلحه (دارای مجازات حبس از شش ماه تا دو سال)^۹ و جعل اسکناس رایج داخلی به قصد اخلاف در نظام پولی و بانکی بدون انطباق رفتار بر افساد فی الارض (دارای مجازات حبس از پنج تا بیست سال)^{۱۰}، مجازات قانونی هر یک به ترتیب، به پنج‌سال، ده سال، دو سال و بیست‌سال حبس تغییر میزان داده و سرانجام، مورد اخیر به اجرا در می‌آید. در صورت اعمال اختیار در عبور از این میزان‌ها هم، به ترتیب، تا شش سال و سه ماه، دوازده سال و شش ماه، دو سال و شش ماه و بیست و پنج‌سال حبس قابل تعیین خواهند بود. در این حال، اگر مجازات جرمی، ثابت یا فاقد حداقل باشد، امکان اضافه کردن تا یک‌چهارم به اصل آن وجود دارد (بند ج ماده مورد اشاره). به این ترتیب، چنانچه کلیه جرم‌های به وقوع پیوسته، برخوردار از مجازات حداقل و حداکثر نباشند، مانند اقدام کارمند شهرداری به تعرض به بانون در

۷. ماده ۵۵۲ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۸. ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۹. بند ۱ ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۱۰. ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

امکان عمومی در نتیجه توطئه پیشین با دیگران (دارای شش ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق)^{۱۱}، سرقتِ مقرون به جرح (ده سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق)^{۱۲}، جعل ریز نمره‌های تحصیلی دانشگاه (دارای سه سال حبس)^{۱۳} و معامله حرفه‌ای اموال مسرقه (دارای سه سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق)^{۱۴}، هرآینه، احتمالِ عدم تشدید هریک از این مجازات‌ها و بسنده کردن به مجازات اشد برای اجرا وجود دارد. از این منظر، می‌توان موضع پیشین قانونگذار را در اجبار مقام قضایی به اضافه کردن کسری به مجازات مقرر (تا یک‌دوم)، به فلسفه تشدید مجازات هم‌سوتر دانست (قسمت اخیر ماده ۱۳۴).

چه بسا، دادگاه‌های با صلاحیت ذاتی گوناگون، عهده دار رسیدگی به هر کدام از جرم‌های متعدد گردند. شبیه حالتی که از میان چهار جرم تعزیری مختلف ارتکاب یافته توسط یک تن، بررسی دو فقره، در صلاحیت دادگاه کیفری (۲)، یک فقره در صلاحیت دادگاه نظامی و یک فقره دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب باشد. در این حال، هریک از دو دادگاه اختصاصی اخیر، به جرم داخل در شایستگی خود بدون توجه به مقررات تعدد، رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نمایند. دادگاه کیفری (۲) نیز، نه بر اساس بند (پ)، که بر مبنای بند (ب) این ماده، اقدام به تعیین مجازات کند. اما چون در نهایت، باید بر پایه مقررات تعدد بیش از سه جرمی تعیین مجازات شود، پس از قطعیت آرای دادگاه‌های یاد شده، موضوع از جانب دایره احکام به تجویز بند (پ) ماده (۵۱۰) قانون آیین دادرسی کیفری به دیوان عالی کشور ارسال، تا پس از نقض حکم‌ها و ارجاع امر به دادگاه مرجوع علیه (حسب مورد مطابق بند الف و بند ب)، مطابق بند (پ) ماده (۱۳۴) قانون مجازات اسلامی، حکم واحدی بدون تفهیم اتهام و دریافت آخرین اتهام صادر گردد.

برخی (مصدق، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰) به این پرسش که اگر تعدد جرم تعزیری از جمله نوع مورد بحث، منتسب به اطفال یا نوجوانان باشد، آیا مشمول مقررات ماده (۱۳۴) می‌شوند یا نه، پاسخ مثبت داده‌اند. این گفته، اگرچه در مورد اشخاص بین پانزده تا هجده سال از این رو که ضمانت اجراهای جرم‌های آن‌ها با وجود برخورداری اغلب از سرشتی تأمینی، توسط ماده (۸۹) قانون مجازات اسلامی مجازات نامیده شده‌اند، درست می‌نماید؛ اما درباره بزه‌کاران بین نه تا پانزده سال

۱۱. ماده ۶۲۰ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۱۲. ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۱۳. ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۱۴. ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

که طبق ماده (۸۸) این قانون، متعاقب تصمیم و نه حکم دادگاه، در معرض اقدام‌های تأمینی قرار می‌گیرند، پذیرفتنی نیست. همچنین، بر خلاف مقررات تکرار جرم (ماده ۱۳۸)، در اعمال هر یک از بندهای ماده (۱۳۴)، بین مجرمان سیاسی و مطبوعاتی و دیگران، فرقی نهاده نشده است. حال آن‌که، با توجه به خطرناک نبودن این قشر به واسطه داشتن انگیزه متعالی در رفتار خود، شایسته بود که میزان مجازات جرم‌های متعددشان از هر دو جانب کمیته و بیشینه، از شمول تشدید خارج، و فقط متحمل مجازات اشد می‌شدند.

موضوع دیگر، اطلاق بیان مقنن است که شمول ماده (۱۳۴) را بر تمامی جرم‌های متعدد عمدی و غیر عمدی، فارغ از شمارشان ممکن ساخته است. این در حالی است که موافق با ماده (۱۳۷)، تشدید مجازات به سبب تکرار جرم، محدود به جرم‌های عمدی شده است. چنین سیاست دوگانه‌ای چندان موجهه نیست؛ زیرا نمی‌توان مجرم مکرر جرم غیر عمدی را بی‌خطر، و مجرم متعدد جرم غیر عمدی را پرخطر ارزیابی، و مشمول دو مقرره مختلف قرار داد. از قضا، تکرار کننده جرم، به جهت دریافت حکم محکومیت پیشین و به سبب پند نیاموختن از هشدار عدالت کیفری و به خرج دادن بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی دوباره که به هر روی با اراده توأم است، سزاوار سرزنش بیش‌تری است. منطقی‌تر آن بود که در هر دو وضعیت تعدد و تکرار جرم، مرتکب جرم‌های غیر عمدی، مشمول تشدید مجازات می‌شدند؛ اما میزان این شدت، در قیاس با ارتکاب جرم‌های عمدی، کم‌تر تنظیم می‌گشت.

ممکن است که فردی نسبت به اشخاص مختلف، مرتکب جرم‌های متفاوتی که برخی قابل‌گذشت‌اند شود؛ مثل انجام کلاه‌برداری (به ارزش هشتصد میلیون ریال)، سوء استفاده از سفید امضا، تدلیس در نکاح و افترای عملی. با رعایت قواعد پیش‌گفته، محکومیت او به ترتیب، سه‌سال و شش ماه حبس و جزای نقدی معادل مال موضوع جرم، یک‌سال و شش ماه حبس، یک‌سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق تعزیری است که در انتها حبس شدیدتر (سه‌سال و شش ماه) در موردش به‌اجر در آید. حال اگر بعد از گذراندن هجده‌ماه از این مدت، موفق به اخذ رضایت بزه‌دیده کلاه‌برداری شود، با احتساب میزان مجازات تحمل شده، کیفر اشد بعدی (حبس هجده‌ماه) نیز اجرا شده محسوب و دیگر مجالی برای اعمال حبس سوم باقی نمی‌ماند. همچنین، به تبع گذشت صورت گرفته، مجازات تبعی ناشی از محکومیت نخست نیز برابر تبصره (۲) ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی زایل و مجازات خفیف‌تر هم به‌کل، تهی از چنین اثری خواهد بود. باری، نمودار پایین،

نحوه مواجهه قانونگذار با تعدد جرم‌های موضوع بندهای بالا را گذشته از اشکال‌های پیش گفته، به رخ می‌کشد.



۱-۲. جرم‌های غیرمختلف

برخلاف رویکرد قبل، این بار قانون مجازات اسلامی، بین تعدد جرم‌های غیرمختلف و مختلف تمییز قایل و برای مورد نخست، با دادن حکم به تعیین یک مجازات، تشدید مجازات را مطابق مقررات تعدد جرم‌های مختلف به شرح پیش گفته، به تشخیص دادگاه واگذار کرده است (بند الف ماده ۱۳۴). اداره حقوقی قوه قضائیه هم برای باقی نماندن هر گونه شبهه، بر این که کلام قانونگذار متضمن هیچ گونه الزام قضایی به تشدید مجازات در قبال این نوع تعدد جرم نیست، صحنه گذاشته است (نظریه شماره ۷/۹۹/۴/۱۵، مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۷). به این ترتیب، ممکن است که شخصی به رغم ارتکاب ده‌ها فقره خیانت در امانت، بدون آن که حداقل و حداکثر مجازات این بزه دست‌خوش تغییر شود، در همین محدوده (شش تا هجده ماه حبس) محکوم شود. برای قضاوت درست‌تر عدالت کیفری در این خصوص، سزاوار بود که نسبت تعدد جرم‌های بیش از سه فقره،

رویکرد سخت‌گیرانه‌تری اتخاذ و دادرس به تشدید مجازات هر چند به نسبتی کم‌تر از تعدد جرم‌های مختلف، مکلف می‌شد.

همچنین، چون در این مدل از تعدد جرم، تنها یک مجازات تعیین و همان به اجرا گذاشته می‌شود، گذشت همه بزه‌دیدگان برای تغییر در حکم دادگاه اجتناب ناپذیر است. اگرچه، قانونگذار با اتخاذ سوبیه‌ای پر انتقاد، مانند جرم‌های مختلف، منظور خود را از جرم‌های غیر مختلف بیان نکرده است، اما به نظر می‌رسد که بتوان برای آن‌ها مصداق‌هایی فراتر از داشتن عنوان‌های واحد و مجازات‌های برابر متصور شد. به عنوان مثال، جرم‌های هم‌نام و هم‌گوهری چون سرقت ساده و مشدده، گونه‌های مختلف جعل و یا فرض‌های صدور چک پرداخت نشدنی، با وجود بهره‌مندی از عنصرهای قانونی و کیفرهای متفاوت، در همین جرگه قرار می‌گیرند. همین‌طور، شروع، معاونت و مباشرت در ارتکاب جرمی واحد و یا رفتارهای مجرمانه گنجدیده در یک ماده قانونی. شاهد مثال، (۶۱۹) قانون مجازات اسلامی است که به «تعرض»، «ایجاد مزاحمت» و یا «توهین» نسبت اشخاص خاصی نظیر بانوان در معابر عمومی اشاره کرده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ص ۵۲-۵۳). هیأت عمومی دیوان عالی کشور اما، جرم‌های جعل و استفاده از سند مجعول را غیر مشابه و در زمره تعدد مادی از نوع مختلف قرار داده است (رای شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱). به‌رغم این‌که تفسیر به نفع متهم، اکتفا به قدر متیقن این حکم را ایجاب می‌کند، اما برخی (احمدزاده و تام، ۱۳۹۹، ص ۱۰۱-۱۰۲)، ضمن داشتن نظری مغایر، مصداق‌هایی چون کلاه‌برداری ساده و مشدده، و یا شروع، معاونت و مباشرت در بزه واحد را نیز به سبب تفاوت در برخی اجزای رفتار مادی و نیز عقوبت، هم‌سنخ نپنداشته‌اند.

پرسش این است که اگر از سوی شخصی، شماری از جرم‌های مشابه مانند سه فقره تهدید ضد بهداشت عمومی از طریق آلوده کردن رودخانه (دارای یک تا سه سال حبس)^۱ به همراه یک یا چند جرم جرم مختلف مثل تخریب سامانه مخابراتی دیگری به قصد اخلال در امنیت عمومی (دارای حبس از یک تا ده سال)^۲ و شروع به قلب سکه طلا (دارای مجازات دو تا پنج سال)^۳ ارتکاب یابد، تعیین و تشدید مجازات او به چه شکل است؟ به سبب موضع منفعل قانونگذار در این خصوص، سه فرض

۱. ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۲. ماده ۷۳۹ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۳. بند ب ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

متصور است: نخست این که، صرف نظر از عنصر مشابهت یا عدم مشابهت رفتارهای مجرمانه، شمار آن‌ها مبنای محاسبه قرار گیرد. با این دید، در نمونه مزبور که تعداد جرم‌ها پنج فقره است، مجازات هر عنوان، وفق بند (پ) ماده (۱۳۴) خواهد بود که به ترتیب در محدوده سه تا سه سال و نه ماه، ده تا دوازده سال و شش ماه و پنج تا شش سال و شش ماه قابل تعیین اند (فرهمنند و گرامی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۲). دوم؛ عدم اعتنا به تعداد رفتارهای مجرمانه و در عوض، اهتمام به تعداد عنوان‌های جزایی در فرآیند کیفرگذاری. با این ملاک، تعیین مجازات سه عنوان آلوده کردن رودخانه، تخریب سامانه مخابراتی و شروع به قلب سکه، طبق (ب) ماده یاد شده خواهد بود که کف و سقف آن‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: دو سال و یکروز تا چهار سال حبس، پنج سال و شش ماه و یکروز تا ده سال حبس و شش ماه و یکروز تا پنج سال حبس. سوم؛ جرم‌های مشابه، به موجب بند (الف) و جرم‌های مختلف، حسب تعداد، مطابق بند (ب) یا (پ) این ماده تعیین مجازات شوند. بر این مبنای، کم‌ترین و بیش‌ترین مجازات سه فقره آلودگی رودخانه، یک تا سه سال، و مجازات دو جرم دیگر به ترتیب پنج سال و شش ماه و یکروز تا ده سال حبس و شش ماه و یکروز تا پنج سال حبس است. در مجموع به نظر می‌رسد که شیوه اخیر، به واسطه اعمال ضوابط هر یک از بندهای (الف تا پ)، به غرض مقنن نزدیک‌تر باشد. بر این منوال، در موردی نیز که تعدادی از جرم‌های یک‌سان و تعدادی از جرم‌های یک‌سان دیگر، متناسب به یک شخص باشد، نخست برای جرم‌های هر گروه بر اساس بند (الف) تعیین کیفر می‌گردد و سپس، از باب دو نوع مختلف بودن آن‌ها، بر مبنای بند (ب)، اقدام به تشدید مجازات می‌شود.^۱ ممکن است ایراد شود که در این صورت، بین کسی که هر یک از عنوان‌های مختلف مجرمانه را یک‌بار، و کسی که هر کدام را چندبار مرتکب گردیده است، تبعیض ناروا ایجاد می‌شود. واقع این است که، مادام که قانونگذار بر تفکیک جرم‌های مشابه و غیر مشابه اصرار داشته باشد، نه تنها این راه‌کار، که هر طریق دیگر تعیین مجازات نیز، متضمن نوعی کاستی خواهد بود. مگر این که، هم به این سبب، و هم به جهت معضل ناگشوده چگونگی این تفکیک^۲، به موضع

۱. در خصوص شق دوم، نظریه مشورتی ۴۲۱/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۱ اداره حقوقی قوه قضائیه همین رویکرد را اتخاذ کرده است.

۲. اداره حقوقی قوه قضائیه جرم‌های معینی چون کلاه‌برداری و جرم‌های در حکم آنها (مثل ثبت ملک غیر) و رفتارهای دیگر واجد مجازات آنها (مانند قبول بیمه بدون داشتن مجوز) را مشابه دانسته (نظریه ۷/۹۹/۴۱۵، مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۷) که قابل نقد است. چه، جز موضوع مجازات، رکن‌های مادی و معنوی این قبیل جرم‌ها تفاوت اساسی با هم دارند.

مقره پیشین و تعیین مجازات تعدد جرم بدون مرزبندی مزبور بازگشت صورت گیرد.

دیگر این‌که، بسا در چارچوب این نوع تعدد، جرم‌های هم‌جنس موجب حد و تعزیر در کنار هم قرار گیرند؛ مثل فردی که مرتکب یک فقره سرقت دارای شرایط ماده (۲۶۸) قانون مجازات اسلامی تعزیری و سه فقره ربایش مال دیگری از طریق کیف قاپی شود. در این حال، به ایده برخی (مصدق، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰)، شمار جرم‌های شرعی در تشدید مجازات جرم‌های تعزیری تأثیر ندارد و برای مورد اخیر، بر اساس بند (ب) ماده (۱۳۴) این قانون تعیین مجازات می‌شود. این گفته اما با واقعیت قانونی که تنها به محکومیت مرتکب، به مجازات حدی نظر داده است (تبصره ماده ۱۳۵)، انطباق ندارد. اگرچه مناسب بود، قانونگذار دادگاه را از محکومیت بزه‌کار به مجازات تعزیری بر حذر نمی‌داشت تا در صورت سقوط مجازات شرعی، امکان به موقع اجرا گذاشتن آن را داشته باشد.

۱۶۱

حقوق اسلامی / ارزیابی نحوه تعیین مجازات تعدد جرم در قانون کاهش مجازات

گاه رفتار واحد، محصول چند فعل مجرمانه مستقل در چند نوبه است که این، دلالتی بر تعدد جرم ندارد. مانند اقدام کارمندی که مبلغ رشوه مورد توافق را در چند مرحله از شخصی اخذ می‌کند (اردبیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۵). پرسش این است که اگر چند جرم ارتشای مستقل توسط یک پرسنل صورت گیرد، تعیین مجازات او بر اساس ماده (۱۳۴) قانون مجازات اسلامی خواهد بود و یا تبصره (۱) ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری که آن را منوط به جمع مبلغ‌های دریافتی نموده است؟ درست، همین پرسش در خصوص ارتکاب فقره‌های کلاهبرداری و شک در اعمال ماده (۱) قانون مورد اشاره یا ماده (۱۳۴) قانون مجازات اسلامی مطرح است. بعضی (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ص ۴۵۲)، این حالت را مشمول تبصره مورد اشاره، و برخی (محبی و ریاضت، ۱۳۹۷، ص ۶۸۶) منطبق بر ماده (۱۳۴) دانسته‌اند. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه مشورتی شماره ۴۷۶/۹۹/۷، مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۵ هم‌سو با تلقی اخیر ابراز داشته است: «در صورت ارتکاب کلاهبرداری‌های متعدد، صرفاً یک فقره مجازات جزای نقدی بر اساس بزه‌ی که مال برده شده در آن نسبت به سایر جرایم بیش‌تر است، تعیین می‌شود، زیرا حسب صراحت بند (الف) ماده (۱۳۴) اصلاحی ۱۳۹۹، هرگاه جرایم ارتکابی مختلف نباشند، فقط یک مجازات تعیین می‌شود...». این برداشت، گذشته از عدم هم‌سویی با منطوق ماده (۱) و تبصره (۱) ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، متضمن مجازات شدیدتری برای متهم و به ضرر او است. اثر فاسد‌پذیرش این رویکرد آن است که در بسیاری از موقع‌ها، مجازات فردی که

به فرض، از طریق ارتکاب تنها یک رشوه (مثل یک میلیون و دویست ریالی)، مبلغ آن را در چند مرحله دریافت نموده است، بیش از فردی شود که در پرتو چند رشوه مستقل، همین رقم را به دست آورده است. علت این است که، میزان حبس مورد دوم، در چارچوب دو تا پنج سال - بدون الزام قاضی در تشدید مجازات - و میزان حبس مورد نخست، در حیطه پنج تا ده سال قابل تعیین است.

قضیه دیگر، امکان یا عدم امکان اعمال مقررات تعدد از جمله بند (الف) یا بندهای دیگر ماده (۱۳۴) به هنگام توأم شدن آن با پدیده تکرار جرم است. به عنوان مثال، اگر فردی با وجود داشتن سابقه محکومیت قطعی چهار سال حبس به سبب آدم ربایی، پیش از مرور زمان اجرای مجازات با اعاده حیثیت، مرتکب جرم‌های متعدد تعزیری شود، مبرهن نیست که وضع او از نظر قانونگذار مشمول قواعد تعدد جرم است یا تکرار جرم و یا هر دو؟ با توجه به مقررات موجود، به نظر نمی‌رسد که بتوان هر دو تأسیس مزبور را به موقع اجرا گذاشت. زیرا، با اعمال هر یک از این دو سازوکار، مجازات قانونی جرم دچار تغییر می‌شود و به کارگیری آن دیگری، منجر به دگرگونی در مجازات قضایی خواهد شد و این، مد نظر هیچ‌یک از ماده (۱۳۴) و (۱۳۷) نیست. پس، گریزی جز بسنده کردن به اعمال یکی از این راهکارها نیست و در این صورت، پرسش این است که ترجیح با کدام یک است؟

برخی (احمدزاده و تام، ۱۳۹۹، ص ۱۲۴)، بر کفایت رعایت قواعد تکرار در تعیین کیفر هر یک از جرم‌ها و سپس اعمال مجازات اشد نظر داده‌اند. اگر بنا باشد که در چنین وضعی، شدیدترین مقررات به‌بوته اجرا برده شود، این نظر در همه احوال از جمله به وقوع پیوستن بیش از سه جرم مختلف از جانب یک شخص پس از دریافت محکومیت قطعی پیشین چاره ساز نیست. چه در حالت اخیر، دادگاه در باره هر جرم، تکلیفی به تعیین مجازاتی فراتر میانگین حداقل و حداکثر مقرر قانونی ندارد؛ حال آن‌که در پرتو قواعد تعدد، نمی‌تواند به تعیین مجازاتی کم‌تر از حداکثر پیش‌بینی شده در قانون بسنده کند. اما اگر شمار جرم‌های مختلف پسین، کم‌تر از چهار فقره باشد، عکس این قضیه صادق است؛ زیرا در پرتو مقررات تعدد، دادگاه قادر به تعیین مجازاتی بیش از سقف مقرر قانونی برای هر جرم نیست (بند ب ماده ۱۳۴). در چارچوب ضوابط تکرار اما، اختیار این امر برای مرجع مزبور پیش‌بینی شده است (ماده ۱۳۷). تبیین موضوع بند بعد واضح خواهد کرد که سرنوشت جرم‌های متعدد مشابه نیز در صورت برخورداری از صفت تکرار، نتیجه دوم خواهد بود. به این سان، این وظیفه محاکم است که پس از ارزیابی این چنینی، رهیافت شدیدتر را برگزیند.

مناسب است که در این جا به پرونده کلاسه ۰۰۰۰۰۱۲۵ رسیدگی شده در شعبه (۱۰۹) دادگاه کیفری (۲) شهرستان یزد اشاره شود که حاکی است، متهم آن به عنوان تبعه بیگانه از یک سو، مرتکب پنج سرقت تعزیری موضوع ماده (۶۶۱) قانون مجازات اسلامی شده است و از دیگر سو، برخوردار از سابقه محکومیت قطعی کیفری به سرقت تعزیری موضوع ماده (۱۳۷) در ایران بوده است. دادگاه پس از احراز انتساب بزه‌های مشابه مزبور به متهم از رهگذر اقرار صریح مرتکب و دیگر شواهد و قرائن اقناع آور این چنین حکم می‌کند که: «با توجه به سابقه محکومیت متهم و مقررات ناظر به تکرار و تعدد جرم، به استناد ماده (۶۶۱) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و ماده‌های (۱۲) و (۱۳) قانون کاهش حبس تعزیری و بند (خ) ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی، به گذراندن دو سال و شش ماه حبس تعزیری و تحمل هفتاد و چهار ضربه شلاق و اخراج از کشور از باب کیفر تمکیلی به مدت دو سال محکوم می‌گردد...». شک نیست که دقت دادگاه در احراز انطباق رفتار مرتکب بر هر دو تأسیس تعدد و تکرار جرم و نیز این که در نهایت، اعمال ضوابط یکی از آن‌ها بر وی ممکن می‌نماید، نقطه قوت تصمیم اوست. با وجود این، مدلل نکردن این که تشدید مجازات مرتکب از کدام منظر بوده است و چرا، آن را زیر پرسش می‌برد. آخر این که، راهبرد قانونگذار در تعیین مجازات تعدد جرم‌های مذکور، این چنین در نمودار کوچک زیر منعکس است:

فقط یک مجازات تعیین و همان اجرا می‌شود.

تعیین و اجرای مجازات تعدد واقعی جرم‌های غیر مختلف

دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در تعدد جرائم مختلف مجازات را تشدید کند.

۲. تعدد واقعی جرم‌های تعزیری درجه هفت و هشتم

بر خلاف سیاست تقنینی پیشین که به عدم شمول مقررات تعدد نسبت به این دست از جرم‌ها منجر شده بود، اکنون با تغییر یافتن موضع، امکان تجمیع مجازات آن‌ها با هم و با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش، کنار نهاده شده است. برای پی بردن به جزئیات امر، سازوکار تعیین و اجرای مجازات جرم‌های موصوف را در دو حالت اجتماع با یکدیگر، و بودن در کنار دیگر جرم‌های

تعزیری، مورد بحث و ارزیابی قرار می‌دهیم.

۲-۱. تعدد جرم‌های درجه هفت و هشت با یکدیگر

همانندسازی ضوابط حاکم بر تعدد این قسم از جرم‌ها با مقررات ناظر به تعدد جرم‌های درجه یک تا شش، رویکرد تازه قانونگذار است. از این رو، اگر شخصی مرتکب هر تعداد جرم غیر مختلف شود، بر اساس بند (الف) ماده (۱۳۴) قانون مجازات اسلامی، فقط یک مجازات برای او تعیین می‌شود و تشدید کیفر، به اختیار دادگاه و برابر بندهای (ب) و (پ) خواهد بود. چنانچه جرم‌های ارتكابی، دو تا سه فقره باشد، مجازات هریک، بیش از متوسط کف و سقف مجازات تعیین شده قانونی تا سقف آن است. در صورت انتساب بیش از این تعداد جرم به متهم، مجازات هریک، حداکثر مجازات مقرر قانونی است و قاضی پرونده مجاز به عبور از آن تا یک چهارم است. در هر شکل، به مانند دیگر فرض‌های بحث شده، جز شدیدترین مجازات مندرج در رأی، قابلیت اجر ندارد.

موضوع این است که اگر در فاصله ارتكاب جرم‌های متعدد، دو قانون متقدم و متأخر وجود داشته باشد، وصف تعدد و شیوه تعیین مجازات، متأثر از کدام موازین است؟ عقیده جاری بر این است که، چنانچه قانون جدید تهدیدی ضد حقوق متهم باشد، اجرای آن محل تأمل است (اردبیلی، ۱۴۰۰، ص ۷۵). اگرچه ممکن است استدلال شود، قانون جدید از این رو حاکمیت خواهد داشت که مرتکب، با علم به محتوای سخت‌گیرانه آن، نقض‌اش کرده است. اما جایی که مصوبه جدید، به نوعی مساعد به حال متهم باشد، نظیر ماده (۱۳۴) اصلاحی قانون مجازات اسلامی موضوع این نوشتار، اقتدار با او است. پس اگر به عنوان مثال، جرم‌های پیش و بعد از تصویب قانون اخیر، به ترتیب شامل امتناع از دادن طفل به رسم امانت گرفته شده (دارای حبس از چهل و پنج روز تا سه ماه یا جزای نقدی...) و ایجاد مزاحمت تلفنی (دارای حبس از پانزده روز تا سه ماه)^۲ باشد، برخلاف گذشته، مجازات آن‌ها با یکدیگر جمع نمی‌شود. به اضافه، در تعدد موضوع بحث و یا دیگر الگوهای تعدد، اگر کلیه جرم‌ها در زمان قانون سابق محقق و منجر به صدور حکم محکومیت غیر قطعی شده باشد، در پرتو بند (ب) ماده (۱۰) قانون یاد شده، پژوهش خواهی، موجبی برای اجرای قانون لاحق

۱. ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

۲. ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

توسط مرجع تجدید نظر است. در صورت قطعیت حکم نیز، این وظیفه متوجه قاضی اجرای احکام است که پرونده را برای اعمال تغییرات به دادگاه صادر کننده حکم ارسال نماید.

بعید نیست که کثرت جرم‌های مختلف درجه هفت و هشت منتسب به متهم، فرآیند دادرسی را به درازا بکشاند. در این مورد، اجرای ماده (۳۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری که در مقام ارائه طریق مقرر می‌دارد: «هرگاه رسیدگی به اتهامات متعدد متهم موجب طولانی شدن جریان دادرسی شود، دادگاه در مورد اتهاماتی که تحقیقات آن‌ها کامل است، مبادرت به صدور رأی می‌کند»، پیش از اصلاح ماده (۱۳۴) قانون مجازات اسلامی که بنا بر جمع مجازات‌ها در تعدد این نوع جرم‌ها گذاشته شده بود، گره‌گشا بود. اما اکنون که خط مشی قانونگذار به اعمال یک مجازات و تشدید آن به شرح مذکور تغییر یافته است، مشکل ایجاد می‌کند. چه، به‌هنگام صدور رأی در مورد اتهام‌های برخوردار از تحقیقات کامل، قادر به لحاظ دیگر اتهام‌ها در اعمال ماده (۱۳۴) نیست. بعد از اتمام دادرسی اتهام‌های باقی مانده نیز، قاعده فراغ دادرسی سد راه او برای تغییر مجازات و انطباق با وضع موجود است. نظر به تأثیر ضابطه جدید در میزان مجازات تعدد جرم، چاره کار را باید در کاربست ماده (۵۱۰) قانون آیین دادرسی کیفری جست و جو کرد. رهیافتی که نه فقط در این خصوص، که در مورد دیگر فرض‌های تعدد جرم هم فروگشاست.

ناگفته نماند که نظر به درجه جرم‌های مورد بحث، تبدیل مجازات‌های حبس مندرج در حکم به جایگزین‌های مقرر در قانون، موضوعی است که تحت الشعاع صراحت ماده (۷۲) قانون مجازات اسلامی مبنی بر این‌که: «تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آن‌ها بیش از شش ماه حبس است، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است»، قرار نخواهد گرفت. بنابراین، اگر در میان جرم‌های متعدد مختلف یا غیر مختلف، فراغ از هر شمار، جرمی غیر عمد و برخوردار از مجازات حبس وجود داشته باشد، صدور حکم به جایگزین این ضمانت اجرا بدون هیچ قیدی، ناگزیر خواهد بود (ماده ۶۸ قانون مزبور). همین سرنوشت، متوجه مجازات حبس جرم‌های عمدی درجه هشت است؛ چراکه در هر حال، میزان مجازات تعیین شده از طریق اعمال هریک از سازوکارهای بندهای (الف) و (ب) ماده (۱۳۴) این قانون، فراتر از حد مقرر ماده‌های (۶۵ تا ۶۷) آن نخواهد رفت. اما حتمیت صدور چنین حکمی در مورد مجازات حبس تعیین شده برای جرم‌های عمدی درجه هفت، منوط به مبرا بودن مرتکب از سابقه کیفری مذکور در ماده (۶۶)^۱

۱. الف) بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال یا شلاق

و نگذشتن پنج سال از آن است.

۲-۲. ترکیب جرم‌های درجه هفت و هشت با جرم‌های درجه یک تا شش

قانونگذار در قبال چنین فرضی نظر دارد به این‌که: «جمع جرایم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر، سبب تشدید مجازات جرایم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرایم با جرایم درجه هفت و درجه شش و بالاتر، به‌طور جداگانه برای جرایم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده [۱۳۴] تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت، مجازات اشد قابل اجراست» (بند ت). به این ترتیب، بیش از هر چیز، تکلیف مجازات هریک از جرم‌های درجه هفت و هشت را باید در دسته خود مشخص کرد. چندان‌که در صورت مشابهت آن‌ها، قطع نظر از هر تعداد که باشند، بر اساس بند (الف)، و در صورت مختلف بودن، حسب مورد بر مبنای بند (ب) یا (پ) تعیین کیفر شوند. مجازات هریک از جرم‌های قرار گرفته در دسته جرم‌های درجه یک تا شش نیز با همین شیوه مشخص و در حکم منعکس می‌شود. شبیه دیگر آشکال تعدد، در این خصوص هم، جز شدیدترین مجازات تعیین شده، بر مرتکب تحمیل نمی‌شود.

۱۶۶

شاهد مثال از این نوع تعدد، دایر کردن مرکز فساد (دارای مجازات حبس از یک تا ده سال)^۱، ربایش طفل تازه متولد شده (دارای مجازات حبس از شش ماه تا سه سال)^۲، ورشکستگی به‌تقصیر بر پایه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی^۳ (دارای مجازات حبس از شش ماه تا دو سال)^۴، انتشار هجویه (دارای مجازات حبس از پانزده روز تا سه ماه)^۵ و ممانعت از حق (دارای مجازات حبس از پانزده روز تا شش ماه)^۶ توسط یک شخص است. در این وضع، سه جرم دسته نخست که مختلف‌اند و برخوردار از تعزیری؛ (ب) یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.

۱. ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.
۲. ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.
۳. اشاره به بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی به این سبب است که در غیر عمدی بودن ورشکستگی ناشی از آن اختلاف نظری نیست. وگرنه، آنجا که سخن از دیگر موجبات این واقعه از جمله ترجیح یکی از طلب‌کاران بر سایرین است، عده‌ای (محمدزاده و ادقسانی و امیر مجاهدی، ۱۳۹۶، ص ۲۱۸) آن را عمدی و عده‌ای دیگر (عرفانی، ۱۳۹۲، ص ۸۶/ قائم مقام فراهانی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰) غیرعمدی پنداشته‌اند.
۴. ماده ۶۷۱ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.
۵. ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.
۶. ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.

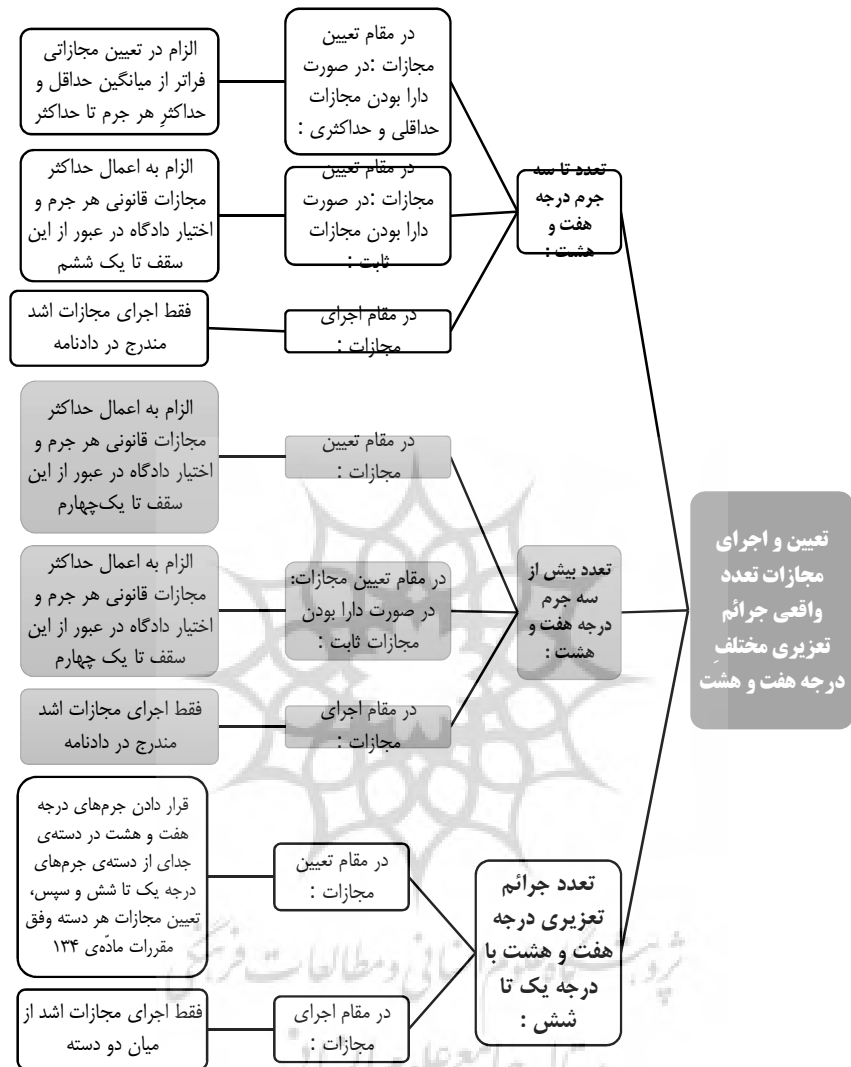
درجه‌های چهار، پنج و شش، مطابق بند (ب) ماده (۱۳۴) مجازات‌شان به ترتیب، در میانه پنج‌سال و شش‌ماه و یک‌روز تا ده‌سال، بیست و یک‌ماه و یک‌روز تا سه‌سال، یک‌سال و سه‌ماه و یک‌روز تا دو سال سزاورار تعیین است. البته، نظر به غیر عمدی بودن بزه ورشکستگی، تعدد جرم، معضلی فراروی تبدیل مجازات آن (حبس) به جایگزین مقرر در قانون نیست. دسته دوم هم، متشکل از جرم‌های متفاوت واجد درجه‌های هشت و هفت است که با معیار همین بند، مجازات هر یک به ترتیب در شعاع بیست و سه‌روز تا سه‌ماه و پنجاه و سه‌روز تا شش ماه قابل تنظیم است. در ضمن، به سبب عمدی بودن هر دو جرم و میزان مجازات قانونی سایر جرم‌ها (بیش از شش‌ماه حبس)، مجازات حبس هیچ‌یک به جایگزین تبدیل نمی‌شود (ماده ۷۲). هرچند، در اعمال سایر تدابیر ارفاقی مثل تعلیق اجرای کیفر در جرم‌های درجه سه تا هشت، یا تخفیف مجازات جرم‌های تعزیری درجه‌یک تا هشت، تعدد جرم، مانع دانسته نشده است و بدین جهت، منوط کردن اجرای جایگزین‌های حبس به فقدان این امر موجه نمی‌نماید (توجهی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳-۱۲۴). باری، در میان ضمانت اجراهای تعیین‌شده به شکل بالا، مجازات دایر کردن مرکز فساد به سبب شدیدتر بودن، به جریان در خواهد آمد و به اضافه، مکان مزبور به استناد بند (الف) ماده (۶۳۹) قانون مجازات اسلامی و در اجرای بند (ح) ماده (۱۳۴)، به نحو موقت تعطیل می‌گردد.

برخی (زکریا، ۱۳۹۹، ص ۹۷/ طهماسبی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۶۹)، ص ۱۰۷-۱۰۸)، از اشاره بند (ت) ماده مزبور به عدم تأثیر جرم‌های درجه هفت و هشت در تشدید مجازات جرم‌های درجه شش و بالاتر، مفهوم مخالف گرفته‌اند و در نتیجه، تعداد جرم‌های اخیر را در شمار جرم‌های درجه هفت و هشت، مؤثر در مقام دانسته‌اند. با این تعبیر، نظر به پنج فقره بودن جرم‌ها در مثال بالا، مجازات جرم‌های انتشار هجویه و ممانعت از حق، با رجوع به ضوابط بند (پ) ماده (۱۳۴) که متضمن شدت بیش‌تری است، تعیین می‌شود. به‌رغم ابهام در کلام قانونگذار، پذیرش چنین برداشتی دشوار است؛ زیرا گمان نمی‌رود که هدفی جز جدا سازی جرم‌های مورد بحث و تعیین تکلیف مجازات هر یک در گروه خود، مقصوداش بوده باشد. مؤید این امر، تفسیر به نفع متهم و نیز فراز پابانی بند مورد اشاره است. به این سان، در موردی هم که جرم‌های منتسب به متهم مشتمل بر دو فقره تعزیری درجه شش و هفت باشد، مجازات هیچ‌یک تشدید نشده و فقط مجازات اشد بر وی اعمال می‌شود (فرهمنند و گرامی، ۱۳۹۹، ص ۱۸۹-۱۹۰).

دور از ذهن نیست که هم‌زمان با این نوع تعدد جرم یا هر کدام از مدل‌های بحث شده،

جهت‌های تخفیف مجازات مندرج در ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی هم احراز شوند و در این صورت، نظر جاری بر این است که نخست، قاعده تشدید و سپس، قاعده تخفیف به موقع اجر گذاشته شود (اردبیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۲/ دلیر و کهزادی، ۱۳۹۷، ص ۳۸—۳۹). مؤید این تلقی، پیش‌بینی امکان تخفیف مجازات در اثنای مقررات تعدد جرم توسط قانونگذار است. به هر روی، راهکار بند (خ) ماده (۱۳۴) در این باره، اقدام براساس ماده (۳۷) است. تدبیری که در جای خود، خالی از اشکال نیست؛ چه در عمل، به خنثی شدن ضوابط تعدد در حالت‌هایی مشخص می‌انجامد. فرض شود که در مصداق پیش‌گفته، دایر کردن مرکز فساد، باهم‌کاری مؤثر مرتکب در شناسایی شرکا و معاونان جرم توأم شده باشد. مجازات درخور تعیین بر اثر مقررات تعدد، کمینه، پنج‌سال و بیشینه، شش‌ماه و یک‌روز تا ده‌سال (درجه چهار) است که با اِعمال بند (الف) ماده (۳۷)، امکان تقلیل به یکی از درجه‌های پنج تا هفت را دارا است. نظر به این‌که، درجه مجازات جرم مزبور پیش از تشدید نیز چهار بوده و در پرتو کیفیات مخفف، باهمین میزان کاهش درجه رو به رو می‌شد، پس، اِعمال تشدید در عمل بیهوده می‌نماید. اما آن‌جا که قاضی با تعدد بیش از سه فقره جرم مواجه است و از اختیار تعیین مجازاتی بیش از حداکثر برخوردار، به‌سبب افزایش درجه کیفر، به هر دو قاعده مورد بحث، وقعی نهاده است. هر چند در این مورد نیز، اگر مجازاتی فراتر از حداکثر تعیین نشود، همان عیب پیشین را در بر خواهد داشت.

این است‌که، رویکرد پیشین قانونگذار در تفویض اختیار به دادگاه برای تقلیل مجازات مرتکب تا میانگین حداقل و حداکثر، سنجیده‌تر به نظر می‌رسید. کما این‌که، قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ هم با اتخاذ سویه‌ای عقلانی، امکان تخفیف مجازات تا حداقل مجازات اصلی در تعدد تا سه جرم، و تا یک برابر و نیم حداقل مجازات اصلی در تعدد بیش از سه جرم را پیش‌بینی کرده بود (بند ح ماده ۳۲). واپسین کلام، اشاره به جدول زیر است که واکنش قانونگذار راجع به بُعدهای مختلف تعدد جرم به بحث گذاشته را در خود گنجانیده است.



نتیجه

حاصل پژوهش نشان می‌دهد که آخرین اراده قانونگذار در حوزه تعدد مجازات جرم‌های تعزیری، توأم با دگرگونی‌های چند بوده است. نخست، تعدیل مواضع سخت‌گیرانه پیشین در حوزه‌هایی از جمله لغو حکم جمع مجازات‌های جرم‌های متعدد تعزیری درجه هفت و هشت و حاکم کردن

مقررات تعدد سایر جرم‌ها بر آن‌ها. دوم، اجرا شده تلقی نمودن مجازات اشد از رهگذر تعلیق، آزادی مشروط و عفو و سواکردن آن‌ها از سایر موجبات فاقد چنین اثری مثل گذشت بزه‌دیده و نسخ مجازات قانونی. سوم، اختیاری کردن تشدید مجازات‌ها در فرض تعدد جرم‌های غیر مختلف. چهارم، در تعدد جرم‌های مختلف تا سه فقره، اجبار دادگاه تنها معطوف به تشدید حداقل مجازات هر جرم شده است. پنجم، اتخاذ سیاست سخت‌گیرانه در زمینه‌های خاص، نظیر توجه به آثار تبعی مجازات خفیف‌تر در صورت عدم پیش‌بینی این‌گونه تبعات برای مجازات شدیدتر و نیز، اصرار بر اعمال هر مورد از ضمانت اجراهای موضوع ماده‌های (۲۳) و (۲۶) قانون مجازات اسلامی که در قامت مجازات اصلی هر کدام از جرم‌های متعدد ظاهر شده است. ششم، صراحت در ذکر مسائلی که پیش‌تر، رویه قضایی بدان‌ها اهتمام ورزیده بود. از جمله لزوم محاسبه میزان مجازات اجرا شده قبلی به‌هنگام اعمال مجازات تعیین شده بعدی.

با وجود این، دگردیسی صورت گرفته، از جهت‌هایی ناقص جلوه نموده است. نخست این‌که، معیار گره‌گشایی برای تمیز جرم‌های غیر مختلف از مختلف فراروی دادگاه نهاده نشده است. دوم، سازوکار مشخصی در تعیین کیفر به‌هنگام جمع قاعده‌های تعدد و تکرار ارائه نگردیده است. سوم، رهنمود عرضه شده در توسل مقام قضایی به ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی برای تخفیف مجازات هر یک از جرم‌های متعدد، به بی‌اثر شدن گشتن قاعده تعدد در اغلب فرض‌های مورد تصور انجامیده است. چهارم، معلوم نیست که نحوه شمارش جرم‌های مشابه مستقر در یک گروه در کنار جرم یا جرم‌های مختلف به چه شکل است. پنجم، از واژه عفو در بند (ث) ماده (۱۳۴) قانون مورد گفت و گو، به‌نحو مطلق استفاده شده است که شایسته نیست. ششم، به نسخ مقرره‌های بسیاری که هم‌چنان قاعده را بر جمع مجازات‌های متعدد گذاشته‌اند، اقدام نشده است. هفتم، عدم اجبار دادگاه به افزودن بر میزان مجازات ثابت یا فاقد حداقل، قطع نظر از شمار جرم‌های متعدد و صرف نظر مختلف بودن یا نبودن آن‌ها، مغایر با هدف وضع قاعده تعدد است. هشتم، وجود ابهام در احاطه بند (الف) این ماده بر تعدد جرم‌های مشابه دارای مجازات‌های مختلف. بدین خاطر، پیشنهاد این است که:

۱. به‌جای اشاره‌های پراکنده و به‌دور از استدلال به برخی جرم‌ها و قرار دادن آن‌ها در دسته‌های مشابه یا غیر مشابه در ساختار تعدد جرم، با ارائه چارچوبی تبیین شده، در این باره تعیین تکلیف شود. آن‌چه در نیل به این مقصود می‌تواند ره‌گشا باشد، توجه به اختلاف یا عدم اختلاف بنیادی در

- رکن مادی و رکن روانی جرم‌های قابل مقایسه، و نه رکن قانونی یا مجازات آن‌ها است.
۲. به سبب احتمال نبودن هم‌پوشی تعدد و تکرار جرم در مجموعه رفتارهای یک شخص، روشن شود که اعمال ضوابط هر کدام که با توجه به اوضاع و احوال (شمار جرم‌ها و نیز مختلف بودن یا نبودن‌شان) متضمن کیفیت شدیدتری است، مقدم است.
۳. برای اثر بخشی بیشتر قواعد تعدد، دادگاه مکلف به تشدید مجازات هریک از جرم‌های مختلفی شود که از ضمانت اجرای ثابت یا فاقد حداقل برخوردار است.
۴. از آن‌رو که در قلمرو تعدد جرم، عفو عمومی کارکردی مشابه نهادهایی چون مرور زمان یا نسخ قانون در انتفای اجرای مجازات اشد و رسیدن نوبت به اجرای مجازات اخف دارد، قسمت اخیر بند (ث) ماده (۱۳۴) اصلاحی قانون مجازات اسلامی بازبینی و مقید به عفو خصوصی شود.
۵. چون جرم‌های تعزیری منصوص شرعی از حکم و مجازاتی متعین برخوردار بوده و نمی‌توان با توجیه وجود مجازاتی شدیدتر از آن‌ها اعمال‌شان نکرد، به عدم شمول ضوابط ماده (۱۳۴) نسبت آن‌ها تصریح شود.
۶. در وضعی که تعدد جرم، مشتمل بر شماری از جرم‌های مشابه از یک نوع و شماری از جرم‌های مشابه نوع دیگر باشد، تصریح به این شود که ابتدا، در مورد هر دسته مطابق معیار بند (الف) ماده (۱۳۴) اقدام و سپس، مجازات اشد به موقع اجرا گذاشته شود.
۷. مقرره‌های خاص و از قبل وضع شده‌ای که به جمع مجازات‌های متعدد حکم کرده‌اند، اصلاح و جملگی تابع ضوابط ماده (۱۳۴) شوند.
۸. بند (ت) ماده مورد بحث اصلاح و درج شود که جرم‌های درجه شش و بالاتر نیز، موجب تشدید مجازات جرم‌های درجه هفت و هشت قرار گرفته در کنار خود نمی‌شوند.

منابع

۱. احمدزاده، رسول و مجتبی تام؛ ملاحظاتی درباره قانون کاهش حبس تعزیری؛ چ ۱، تهران: انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۹.
۲. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی؛ ج ۱، چ ۶۳، تهران: نشر میزان، ۱۴۰۰.
۳. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی؛ ج ۳، چ ۲۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۹.
۴. الهام، غلامحسین؛ مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم؛ چ ۱، تهران: نشر بشری، ۱۳۷۲.
۵. باهری، محمد و میرزاعلی اکبرخان داور؛ نگرشی بر حقوق جزای عمومی؛ چ ۴، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۰.
۶. بسامی، مسعود و اکبر وروایی؛ «تعدد نتایج مجرمانه در فقه و حقوق کیفری»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی؛ ش ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۷۵-۱۹۶.
۷. پوربافرانی، حسن؛ «تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی (ویژه نامه حقوق)؛ ش ۴۱، بهار ۱۳۸۴، ص ۲۵-۴۵.
۸. توجهی، عبدالعلی؛ آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛ چ ۴، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۶.
۹. جعفری، مجتبی؛ «تعدد جرم و آثار آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، پژوهش های حقوق کیفری؛ ش ۵، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۷۵-۱۹۶.
۱۰. خالقی، علی؛ نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ چ ۱۶، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۹.
۱۱. دلیر، حمید و مریم کهزادی؛ تخفیف و تشدید مجازات؛ چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷.
۱۲. زکریا، علی؛ شرح قانون کاهش حبس تعزیری؛ چ ۱، تهران: انتشارات کتاب آوا، ۱۳۹۹.
۱۳. ساداتی، سیدمحمد مهدی، محمدهادی صادقی و فضل الله فروغی؛ «جرم انگاری و کیفرگذاری تعدد حدود در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی؛ ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۶۱-۸۶.
۱۴. شامبیاتی، هوشنگ؛ حقوق جزای عمومی؛ ج ۳، چ ۴، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳.

۱۵. شمس ناتری، محمدابراهیم؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی؛ چ ۵، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۸.
۱۶. عابد، رسول؛ «ضابطه‌ای برای اختلاف جرایم در اعمال قاعده تعدد مادی جرم»، پیام آموزش قوه قضائیه؛ ش ۵۵، بهمن ۱۳۹۱، ص ۴۸-۲۵.
۱۷. عرفانی، محمود؛ حقوق تجارت؛ ج ۳، چ ۴، تهران: نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲.
۱۸. فروغی، فضل‌الله و بهزاد جودکی؛ «تعدد نتیجه در جرایم تعزیری بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی؛ ش ۷۰، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۰۳-۱۲۶.
۱۹. فرهمند، مجتبی و حسین گرامی؛ شرح ماده به ماده قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳؛ چ ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.
۲۰. محبی، جلیل و زینب ریاضت؛ شرح قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲؛ چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷.
۲۱. محمدزاده وادقانی، محمدرضا و محمد معین امیرمجاهدی؛ «تأملی بر بزه ورشکستگی به تقصیر»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی؛ ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۲۰۳-۲۲۵.
۲۲. مصدق، محمد؛ شرح قانون مجازات اسلامی؛ ج ۲، چ ۱، تهران: نشر جنگل، ۱۳۹۵.
۲۳. منصورآبادی، عباس؛ حقوق جزای عمومی؛ چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۹.
۲۴. میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی؛ چ ۴۰، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۹.
۲۵. میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص؛ چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۹.
۲۶. طهماسبی، جواد، مجید عطایی جنتی و پیمان مرادی؛ تحلیل کاربردی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹؛ چ ۲، تهران: نشر حقوق پویا، ۱۴۰۰.